

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد  
گروه علوم سیاسی

## پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی

### آسیب شناسی مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما  
دکتر علی علی حسینی

استاد مشاور  
حسین مسعودنیا

پژوهشگر  
مینا نظری  
تیرماه ۱۳۹۳

کلیه حقوق مادی مترتب بر دست‌آوردهای مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از پژوهش موضوع این پایان‌نامه / رساله متعلق به دانشگاه اصفهان است. دانشجو موظف به رعایت آئین‌نامه و منشور اخلاق در پژوهش برای ارائه و یا چاپ مطالب مستخرج از پایان‌نامه / رساله خود می‌باشد.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد  
گروه علوم سیاسی

## پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی خانم مینا نظری

### تحت عنوان آسیب شناسی مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ..... توسط هیئت داوران زیر بررسی و با درجه‌ی..... به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد/استادان راهنما پایان نامه دکتر علی علی حسینی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء

۲- استاد/استادان مشاور پایان نامه دکتر حسین مسعودنیا با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء

۳- استاد/استادان داور داخل گروه دکتر حمید نساج با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء

۴- استاد/استادان داور خارج گروه دکتر فریدون الهیاری با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضاء

امضاء مدیر گروه

باتشکرشایسته از استادان فرهیخته و فرزانه

دکتر علی حسینی و دکتر حسین معوذنی که با نکته های دلاویز و گفته های بلند صحیفه های سخن را علم پرور نمودند و

همواره راهنما و راه کشای نگارنده در اتمام و تکمال پایان نامه بوده اند.

تقدیم به مهربان فرستگانی که:

سخت نایاب بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتا و زیبای  
زندگیم، میون حضور سبز آنهاست.

تقدیم به خانواده عزیزم.

## چکیده

در این نوشتار کوشش شده، تاثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت زنان در سطوح بالایی تصمیم گیری در ایران بعد از انقلاب با رویکردی توصیفی - تحلیلی بررسی شود؛ به این منظور با مراجعه و استناد به داده‌های آماری موجود، مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی بر مبنای شاخص‌هایی همچون تعداد زنان حاضر در قوهی مقننه، قوهی مجریه، خدمات اداری دولتی و بین المللی بررسی شده است. یافته‌های رساله بیانگر اندک بودن مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

در پاسخ به این پرسش که چرا زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی حضور اندکی دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان بخاطر کلیشه‌های جنسیتی برآمده از فرهنگ ایرانی که به واسطه‌ی نهادهای جامعه پذیری از قبیل خانواده، رسانه ها، مدارس، نهادهای آموزش به آنها القا می‌شود؛ سیاست را حیطه ای مردانه تلقی می‌کنند و تمایلی به مشارکت سیاسی، مخصوصا حضور در عرصه‌ی قدرت ندارند. به این ترتیب یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که عدم تمایل زنان به حضور در عرصه‌ی قدرت از فرهنگ جنسیتی و جامعه پذیری سیاسی متفاوت دختران و زنان نشأت می‌گیرد. بر اساس این یافته‌ها شرط اول برای افزایش مشارکت و حضور زنان در عرصه‌ی قدرت، زدودن انگاره‌های منفی و جلوگیری از بازتولید کلیشه ها و هویت‌های جنسیتی برخاسته از فرهنگ و سنت جامعه‌ی ایران است.

**واژگان کلیدی:** زنان، مشارکت سیاسی، ساختار مدیریت سیاسی، فرهنگ سیاسی، جامعه پذیری سیاسی

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

### فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱ شرح و بیان مساله پژوهشی.....	۱
۱-۲ واژگان و اصطلاحات کلیدی.....	۲
۲-۱ آسیب شناسی.....	۲
۲-۲ مشارکت.....	۲
۲-۳ مشارکت سیاسی.....	۳
۲-۴ ساختار مدیریت سیاسی.....	۳
۲-۵ فرهنگ سیاسی.....	۳
۲-۶ زنان.....	۳
۳-۱ پیشینه و تاریخچه‌ی موضوع.....	۴
۳-۲ اهمیت و ارزش پژوهش.....	۵
۳-۳ اهداف پژوهش.....	۶
۳-۴ سوالات و فرضیات پژوهش.....	۶
۳-۵ روش پژوهش.....	۶
۳-۶ کاربرد نتایج پژوهش.....	۶

### فصل دوم: چارچوب نظری

۲-۱ مقدمه.....	۸
۲-۲ مشارکت.....	۹
۳-۲ مشارکت سیاسی.....	۹
۳-۲-۱ عوامل موثر بر مشارکت سیاسی.....	۱۲
۲-۴ فرهنگ.....	۱۴
۴-۲-۱ ویژگی‌های فرهنگ.....	۱۴
۴-۲-۲ انواع فرهنگ.....	۱۶
۴-۲-۳ فرهنگ سیاسی.....	۱۶
۵-۲ فرهنگ سیاسی از دیدگاه آلموند و وربا.....	۱۸
۵-۲-۱ سطوح تحلیل فرهنگ سیاسی از دید آلموند و وربا.....	۱۹
۵-۲-۲ جهت گیری‌های فرهنگ سیاسی از دید آلموند و وربا.....	۲۰



۳-۲-۵ قواعد ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی.....	۲۱
۵-۲-۵ انواع فرهنگ سیاسی از دید آلموند و وربا.....	۲۱
۵-۲-۵-۱ فرهنگ سیاسی محدود(بسته).....	۲۱
۵-۲-۵-۲ فرهنگ سیاسی تبعی(انفعالی).....	۲۲
۵-۲-۵-۳ فرهنگ سیاسی مشارکتی(فعال).....	۲۲
۵-۲-۵-۴ فرهنگ سیاسی محدود تبعی.....	۲۲
۵-۲-۵-۵ فرهنگ سیاسی تبعی _مشارکتی.....	۲۲
۵-۲-۵-۶ فرهنگ سیاسی محدود مشارکتی.....	۲۲

### فصل سوم: تبیین جایگاه زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

۳-۱ مقدمه.....	۲۵
۳-۲ پیشینه‌ی مشارکت سیاسی زنان.....	۲۶
۳-۲-۱ زنان و مشارکت سیاسی در عصر قاجار.....	۲۷
۳-۲-۲ زنان و مشارکت سیاسی در عصر پهلوی.....	۲۹
۳-۳ زنان و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۲
۳-۳-۱ زنان و فرایند پیروزی انقلاب اسلامی.....	۳۳
۳-۳-۲ عوامل موثر بر مشارکت زنان در تظاهرات علیه رژیم پهلوی.....	۳۴
۳-۳-۲-۱ بحران هویت.....	۳۴
۳-۳-۲-۲ اسلام.....	۳۴
۳-۳-۲-۳ رهبری.....	۳۴
۳-۳-۳ زنان و هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.....	۳۵
۳-۳-۴ زنان و حضور در عرصه مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.....	۳۶
۳-۳-۴-۱ زنان و قوهی مقننه در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۶
۳-۳-۴-۲ زنان و قوهی مجریه.....	۴۰
۳-۳-۴-۲-۱ زنان و تصدی پست ریاست جمهوری.....	۴۰
۳-۳-۴-۲-۲ زنان و تصدی پست وزارت.....	۴۰
۳-۳-۴-۲-۳ زنان و تصدی پست معاون رئیس جمهور.....	۴۱
۳-۳-۴-۲-۴ زنان و تصدی پست مدیر کل و روسای بخش.....	۴۱
۳-۳-۴-۲-۵ زنان و شرکت در خدمات اداری دولتی: شاغلان در نظام دیوان سالاری، بخصوص در برخی وزارتخانه‌ها (مانند اقتصاد، وزارت امور خارجه و دفاع).....	۴۳

۴-۳-۳-۳-۳ مشارکت زنان در خدمات بین‌المللی (حضور در نمایندگی‌های بین‌المللی).....	۴۶
۳-۳ جمع بندی.....	۴۷

### فصل چهارم: تبیین جایگاه زنان در فرهنگ ایران

۴-۱ مقدمه.....	۴۸
۴-۲ فرهنگ.....	۴۹
۴-۲-۱ زنان در عناصر معنوی فرهنگ ایرانی.....	۵۰
۴-۲-۱-۱ زنان و ادبیات ایرانی.....	۵۰
۴-۲-۱-۲ زنان در آثار منشور ایرانی.....	۵۰
۴-۲-۱-۳ زنان و آثار منظوم ایرانی.....	۵۸
۴-۲-۱-۴ زن و ضرب المثل‌های ایرانی.....	۶۵
۴-۲-۲ زنان در عناصر مادی فرهنگ.....	۶۹
۴-۲-۲-۱ سیمای زن در هنرهای تصویری.....	۶۹
۴-۳ جمع بندی.....	۷۲

### فصل پنجم: تبیین رابطه‌ی فرهنگ سیاسی، جامعه پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی

۵-۱ مقدمه.....	۷۴
۵-۲ جامعه پذیری.....	۷۵
۵-۲-۱ انواع جامعه پذیری.....	۷۶
۵-۲-۲ جامعه پذیری سیاسی.....	۷۶
۵-۲-۳ کارکردهای جامعه پذیری.....	۷۷
۵-۲-۴ عوامل موثر بر جامعه پذیری سیاسی.....	۷۸
۵-۲-۴-۱ زنان، انتقال کلیشه‌های جنسیتی و خانواده.....	۷۸
۵-۲-۴-۲ زنان، انتقال کلیشه‌های جنسیتی و رسانه‌های ارتباط جمعی.....	۸۰
۵-۲-۴-۳ زنان، نهادهای آموزشی و انتقال کلیشه‌های جنسیتی.....	۸۳
۵-۳ موانع سیاسی.....	۸۵
۵-۴ موانع قانونی.....	۸۶
۵-۵ موانع اقتصادی.....	۸۸
۵-۵-۱ کارخانگی بدون دستمزد.....	۸۹
۵-۵-۲ اختلاف سطح دستمزدها.....	۸۹

عنوان	صفحه
۳-۵-نوع مشاغل و عدم ثبات شغلی.....	۹۰
۶-۵.موانع فیزیولوژیکی.....	۹۱
۷-۵ موانع شخصی.....	۹۱
۸-۵جمع بندی.....	۹۲
<b>فصل ششم: جمع بندی و تحلیل نهایی.....</b>	<b>۹۴</b>
منابع.....	۱۰۰

## فهرست شکل ها

عنوان	صفحه
شکل شماره ۱-۳ مشارکت سیاسی زنان در مجلس شورای ملی.....	۳۱
شکل شماره ۲-۳ مشارکت سیاسی زنان در مجلس سنا.....	۳۱
شکل شماره ۳-۳ تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تفکیک جنس.....	۳۷
شکل شماره ۴-۳ مشارکت سیاسی زنان در شوراهای اسلامی شهر و روستا به تفکیک جنس.....	۳۸
شکل شماره ۵-۳ حضور زنان در مقامات عالی رتبه، قانونگذاران و مدیران.....	۴۲
شکل شماره ۶-۳ حضور زنان در مستخدمین مشمول و غیر مشمول قانون استخدامی کشور.....	۴۴
شکل شماره ۷-۳ حضور زنان در وزارتخانه‌های اقتصاد، دفاع و امور خارجه در سال ۱۳۶۵.....	۴۴
شکل شماره ۸-۳ حضور زنان در وزارتخانه‌های اقتصاد، دفاع و امور خارجه در سال ۱۳۷۵.....	۴۵
شکل شماره ۹-۳ حضور زنان در وزارتخانه‌های اقتصاد، دفاع و امور خارجه در سال ۱۳۸۵.....	۴۵
شکل شماره ۱۰-۳ حضور زنان در وزارتخانه‌های اقتصاد، دفاع و امور خارجه در سال ۱۳۹۰.....	۴۵
شکل شماره ۱۱-۳ حضور زنان در سازمانها و نهادهای بین المللی .....	۴۶

## فصل اول

### کلیات پژوهش

#### ۱-۱ شرح و بیان مساله پژوهشی

یکی از مهمترین پیش شرط های رسیدن به توسعه در تمام کشورها، استفاده از تمام امکانات و منابع موجود از جمله نیروی زنان است. زنان در جامعه و خانواده نقش موثری دارند و می توانند در رسیدن به توسعه پایدار مسئولیت های جدی و مهمی را به عهده بگیرند (اسکف، ۱۹۷۵: ۴۶۰). انتخاب موضوع این پژوهش براساس همین اصل صورت پذیرفته است که مشارکت زنان در عرصه سیاست و تصمیم گیری، نقش به سزایی در توسعه و نوسازی هر کشور دارد و با درک اهمیت این مشارکت، هرکشوری باید تلاش کند که موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت زنان را مرتفع سازد تا زمینه دستیابی به رشد و شکوفایی جامعه در همه عرصه ها فراهم گردد.

پایگاه زنان در جامعه ایران در چند دهه ی اخیر تحولاتی را تجربه نموده است. انبوه زنان که غالباً در جامعه ی ایرانی در حاشیه ی مناسبات اجتماعی و سیاسی نگه داشته شده بودند. با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقاء توانمندی های خود دست یافته اند و هم اکنون طالب سهم بیشتری از مدیریت سیاسی جامعه هستند؛ باین وجود زنان سهم ناچیزی در عرصه ی مدیریت سیاسی کشور را از آن خود کرده اند.

طبق آمار منتشره از سوی سازمان ملل در سال ۲۰۰۸ سهم زنان ایران در مدیریت و قانونگذاری کشور ۱۶ درصد اعلام شده است این در حالی است که کشورهایی چون فلیپین، آنگولا، جزایر کایمان و مغولستان به ترتیب ۵۸درصد، ۵۲ درصد، ۵۱ درصد و ۵۰ درصد بالاترین سهم را دارا می باشند. به این ترتیب ملاحظه می شود که ایران در کنار کشورهایی همانند عربستان با ۹ درصد، قطر با ۵ درصد و امارات متحده ی عربی با ۸ درصد جز

کشورهایی با مشارکت اندک زنان در ساختار مدیریتی قرار می‌گیرد؛ این درحالی است که کمیت و کیفیت قشر تحصیلکرده زنان ایرانی قابل قیاس با این کشورها نیست (سرمایه، ۱۳۸۷: ۲۰).

بنابراین باید این مسئله مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد که چرا زنان ایران علی‌رغم توانمندی‌های فردی و اجتماعی خود تاکنون نتوانسته‌اند به سطوح کلان مدیریت دست یابند. آسیب‌شناسی حضور زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی مبحثی است که در این پژوهش محور مطالعه قرار می‌گیرد. درپاسخ به این سوال که چرا زنان نتوانسته‌اند در ساختار مدیریتی جمهوری اسلامی ایران نقشی مناسب را ایفا کنند؟ توجه به ساختارهای حاکم بر جامعه و ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت است.

اگر بپذیریم که آسیب‌های اجتماعی موجود جدا از فرهنگ حاکم در جامعه نیست، باید گفت فرهنگ مرد سالار و ارائه کلیشه‌های جنسیتی برآمده از این فرهنگ و انتقال این کلیشه‌ها از طریق نهادهای جامعه‌پذیر همانند خانواده، نهادهای آموزشی، رسانه‌های ارتباط جمعی، گروه همسالان و جامعه‌پذیری جنسیتی که صورت می‌گیرد از یک سو سبب ساز کاهش مشارکت سیاسی از حد فعالانه به منفعلانه می‌گردد و از سوی دیگر از حیث روانشناسی اجتماعی، افسردگی، پایین بودن اعتماد بنفس، سرخوردگی، احساس ضعیف و ناتوان بودن را به شکل معنا داری در زنان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی، ماحصل یک روند است؛ روندی که از فرهنگ سیاسی شروع می‌شود به جامعه‌پذیری سیاسی می‌انجامد و با گذر از جامعه‌پذیری سیاسی وجوه متفاوت مشارکت سیاسی را به وجود می‌آورد.

مسئله‌ی اصلی رساله‌ی حاضر آسیب‌شناسی مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. به این خاطر این پژوهش ضمن نگاهی به مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران به بررسی این سوال می‌پردازد که فرهنگ سیاسی چگونه در کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی زنان در ساختار مدیریت جمهوری اسلامی ایران به ایفای نقش می‌پردازد و در پایان راهکارهایی برای توسعه‌ی مشارکت ارائه خواهد شد.

## ۲-۱-۱ واژگان و اصطلاحات کلیدی

### ۱-۲-۱ آسیب‌شناسی<sup>۱</sup>

آسیب‌شناسی یعنی شناسایی آن دسته از عوامل مهم و موثری که به وجود آمدن یا تداوم حیات آنها می‌تواند فرآیند تحقق اهداف هرنظامی را متوقف یا به صورت نامحسوس کند نماید (بنیانیان، ۱۳۷۷: ۱۲۸). آسیب‌شناسی مشارکت زنان به معنای بررسی واقع بینانه مشکلات و موانعی است که روند مشارکت زنان را کند و یا با مشکل رو به رو می‌نماید.

### ۲-۲-۱ مشارکت<sup>۲</sup>

مشارکت از لحاظ لغوی، به معنای شرکت داشتن یا درگیر بودن است. و در اصطلاح تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مستدلانه در جهت معنی دادن به عمل و حرکت اجتماعی است که با شرکت دادن اشخاص در فعالیت‌های گروهی تحقق می‌یابد. (خاکسار، ۱۳۸۰: ۱۴). نقطه‌ی عطف در معنای مشارکت فوق ارادی و

<sup>۱</sup> pathology

<sup>۲</sup> participation

داوطلبانه بودن آن است بنابراین می‌توان اینگونه تصور کرد که افراد در جهت رفع نیازها و کسب منافع فردی و گروهی خود به صورت داوطلبانه اقدام به مشارکت می‌کنند.

## ۳-۲-۱ مشارکت سیاسی<sup>۱</sup>

مشارکت سیاسی کلیه فعالیت‌های شهروندان غیر حکومتی است که به صورت داوطلبانه در قالب یک سازمان یا خارج از آن، در سطح ملی یا محلی، به منظور تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا تعیین سیاست‌ها و خط مشی آنان صورت می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۵۵).

## ۴-۲-۱ ساختار مدیریت سیاسی<sup>۲</sup>

مشارکت سیاسی در دو سطح توده (شرکت در انتخابات، احزاب سیاسی و تجربه‌های اجتماعی) و نخبگان قابل تحلیل است که مشارکت در سطح نخبگان معمولاً در حیطهٔ زنانی با تحصیلات عالی، آگاه، متخصص و با علاقه و تعهد اجتماعی روی می‌دهد. حضور در وضعیت اخذ تصمیم برای جامعه مهم‌ترین ویژگی این سطح از مشارکت است (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷). این سطح از مشارکت را می‌توان در مقیاس‌هایی هم چون نسبت درصد زنان حاضر در کابینه‌ها، نمایندگی دیپلمات‌ها، نسبت درصد کرسی‌های مجلس در اختیار زنان، نسبت درصد زنان مدیر در مجموعه مدیران کشور، نسبت درصد زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه شاغلان کشور ارزیابی کرد (رضوی، ۱۳۸۸: ۶۸).

## ۵-۲-۱ فرهنگ سیاسی<sup>۳</sup>

اصطلاح فرهنگ سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم برای نخستین بار توسط آلموند در ادبیات توسعه سیاسی مطرح شده است. وی معتقد است که هر نظام سیاسی شامل الگوهای خاصی از سمت‌گیری است و این الگو را فرهنگ سیاسی می‌نامند (آلموند، ۱۹۵۷: ۳۹۶). فرهنگ سیاسی که میان بخش عظیمی از افراد جامعه مشترک می‌باشد مجموعه‌ای از آرمان‌ها، نگرش‌ها و طرز برخورد‌های کم و بیش ثابت درباره قدرت و سیاست است که تحت تأثیر عقاید، نمادها، ارزش‌ها و باوردهای افراد و در متن تاریخ و حیات جمعی آنها شکل می‌گیرد و به رفتارها و کنش‌های سیاسی در قبال نظام سیاسی جهت می‌دهد (اختر شهر، ۱۳۸۷: ۵۷).

## ۶-۲-۱ زنان<sup>۴</sup>

مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی بیشتر از هرچیز نیازمند پیش شرط تخصص و آگاهی است با این تعریف مشارکت زنان در سطح مدیریتی را نمی‌توان در میان زنانی که فاقد تخصص لازم هستند جستجو کرد. لذا تاکید این پژوهش بر زنان متخصص و صاحب نظری است که تخصص لازم را برای مشارکت در عرصه قدرت دارا می‌باشند.

<sup>1</sup> Political Participatio

<sup>2</sup> Political Management Structure

<sup>3</sup> Political Culture

<sup>4</sup> Women

### ۳-۱ پیشینه و تاریخچه‌ی موضوع

بهرام نژاد (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران» با استناد به آمارهای رسمی و مصاحبه با ۲۳ تن از زنان فرهیخته‌ای که توانسته‌اند پست‌های ارشد را بدست آورند کوشیده است به این سوال پاسخ دهد که چرا زنان نتوانسته‌اند درصد قابل توجهی از مشاغل سیاسی را به خود اختصاص بدهند؟ نویسنده با مدد گرفتن از ۴ دیدگاه ساختاری کاربردی، نظریه جامعه‌پذیری سیاسی، نظریه تضاد و انتقادی و نظریه پدر سالاری به این نتیجه می‌رسد که برخی از قوانین منجر به تقویت مبانی نابرابری در عرصه‌ی قدرت شده است و زمینه را برای ممانعت از دسترسی زنان به مدیریت سیاسی کشور فراهم کرده است. نویسنده گرچه به درستی برخی از قوانین را مانع مشارکت زنان ارزیابی کرده است اما در توجه به مانع اصلی و اینکه این قوانین خود برآمده از چه سنت و چارچوبی است کوتاهی کرده است. به نظر می‌رسد فرهنگ حاکم بر جامعه ایران با انگاره‌های مردسالارانه در تثبیت قوانین حاکم بر جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند و این نکته ای است که اثر فوق را از پژوهش حاضر متمایز می‌گرداند.

بشیریه (۱۳۸۷) در بخش یازدهم گفتار چهارم کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی» خود به این مسئله می‌پردازد که الگوهای رفتار سیاسی زنان را می‌توان در پیروی از شوهران در رفتار سیاسی، محافظه کاری، سنت گرایی و سیاست گریزی خلاصه کرد وی در این کتاب علت این الگوهای رفتاری را سلطه مردان بر زنان معرفی می‌کند که خود برآیندی از جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت زنان است. تفاوت پژوهش حاضر با کتاب فوق در این می‌باشد که چالش مد نظر ما راجع به مشارکت سیاسی زنان در بستر فرهنگ سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ قابل بررسی است و می‌توان بیان داشت که بین فرهنگ سیاسی حاکم و مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی ارتباط تنگاتنگ وجود دارد.

خلیلی (۱۳۸۶)، در مقاله ای تحت عنوان «آسیب شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران» به طرح این بحث می‌پردازد که جامعه ایران در حال گذر از نگرشهای سنتی به ایستارهای نوین است و به همین سان ساختار سیاسی در حال گذر از اقتدار سنتی به اقتدار عقلانی و قانونی است و در این میان زنان جایگاه شایسته ای در عرصه‌ی مشارکت سیاسی نیافته و به عنوان موجود ناکامل سیاسی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. اودر پی جویی مسئله‌ی فوق براین باور است که زنان به دلایل گوناگون که ریشه درباورها و ساختارهای دیرینه‌ی اجتماعی و اقتصادی دارد از شبکه‌ی تعاملات دور شده و راه نیل آنها به قدرت سیاسی دشوار شده است. تمرکز رساله به فرهنگ سیاسی و کلیشه‌های جنسیتی موجود در این فرهنگ و انتقال این انگاره‌ها از یک نسل به نسل دیگر از طریق فرایند جامعه‌پذیری سیاسی مهمترین وجه تمایز این پژوهش از مقاله‌ی مطرح شده است.

جزنی (۱۳۸۳) در پژوهش «بررسی موانع و مشکلات موجود در اشتغال زنان در بخش‌های دولتی» در ارزیابی موانع اشتغال زنان؛ موانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را محور توجه قرار می‌دهد. محور قرار دادن مشارکت سیاسی در سطح نخبه مهمترین تمایز پژوهش از اثر فوق است. نویسنده گرچه در پژوهش فوق موانع فرهنگی اشتغال زنان را بررسی کرده اما توجه به چگونگی تاثیر فرهنگ سیاسی بر اشتغال زنان را کمتر محور توجه قرار داده و تنها به ذکر شاخصه‌های فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی پرداخته است.

ناجی‌راد (۱۳۸۲)، در اثر خود با عنوان «موانع مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی ایران پس از انقلاب» ضمن نگاهی به مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی قبل و بعد از انقلاب به بررسی موانع ساختاری (فرهنگی، قانونی، اقتصادی) و موانع غیر ساختاری (شخصی و فیزیولوژی) مشارکت زنان در فعالیتهای



اقتصادی سیاسی و اقتصادی پرداخته است. نویسنده گرچه در توجه به موانع مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان به بررسی طیف تقریباً کاملی از موانع پرداخته است اما در بررسی نوع مشارکت سیاسی زنان بیشتر از آنکه به مشارکت زنان در سطح نخبه بپردازد مشارکت زنان در سطح توده را محور توجه قرار داده است. مهمترین تمایز پژوهش از آنفوق از یک سو تاکید بر مشارکت سیاسی و از سوی دیگر محور قرار دادن مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبه ارزیابی می‌شود.

اسفیدانی (۱۳۸۱)، در رساله ای با عنوان «موانع دستیابی زنان به پست‌های مدیریتی» این فرضیه را مطرح می‌کند که جنسیت بیشتر از شایستگی و توانمندی مورد توجه قرار گرفته است. وی در پاسخ به این سوال که چرا زنان به رغم پیشرفت‌های محسوس در زمینه تحصیلات و مشارکت در ساختار مدیریتی حضور کم‌رنگی دارند؟ عوامل مربوط به فرهنگ سازمانی و نگرش منفی مردان نسبت به زنان و مهارت‌های مدیریتی آنها را عامل پایین بودن مشارکت سیاسی زنان عنوان می‌کند. گرچه فرهنگ سازمانی و نگرش مردان در پایین بودن مشارکت سیاسی زنان موثر است اما صرف توجه و اطلاع از این فرهنگ به نظر چندان کافی نمی‌آید و شاید گام بالاتر در فهم مشکل را بتوان در سازو کارهای انتقال دهنده‌ی این نوع فرهنگ ارزیابی کرد نکته ای که رساله‌ی فوق غایب و در پژوهش حاضر محور توجه قرار می‌گیرد.

کار (۱۳۷۶)، در کتاب «حقوق سیاسی زنان ایران» با پیشینه از حقوق سیاسی زنان در قبل از انقلاب مشروطه، حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی بحث خود را آغاز می‌کند و سپس موانع قانونی و شرعی مشارکت زنان در مدیریت کشور را مورد ارزیابی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که در بسیاری از موارد زنان برای مشارکت سیاسی با منع قانونی و شرعی مواجه‌اند. تاکید کار بر مانع قانونی و شرعی مشارکت سیاسی زنان اثر وی را از توجه به سایر موانع که برخی نیز برخاسته از خود جامعه زنان است بی‌بهره کرده است.

میشل (۱۳۷۶)، در پژوهشی با عنوان پیکار با تبعیض جنسیتی: پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه و جامعه از کلیشه‌های جنسیتی، به تحلیل کلیشه‌های تبعیض جنسیتی در جامعه، مدرسه، بازار کار و رسانه‌های گروهی می‌پردازد و به روشنی ثابت می‌کند که نابرابری‌های موجود در بین زنان حاصل نظام طبیعی یا مبتنی بر نظام زیست‌شناختی نیستند بلکه برخاسته از نظام اجتماعی و رفتار نامناسب با زنان است وی در پایان اثر خود به ارائه رهنمودهای برای زدودن و پیکار با این کلیشه‌ها پرداخته است که ارائه آموزش محور اصلی تمامی آنهاست.

منابع ذکر شده گرچه در رابطه با مشارکت سیاسی زنان منابعی درخور توجه هستند اما پژوهش حاضر را می‌توان از چند منظر از آثاریاد شده متمایز دانست؛ تاکید بر آسیب‌شناسی حضور زنان را می‌توان اولین نقطه‌ی تمایز این پژوهش دانست، بررسی مشارکت زنان در ساختار مدیریتی و دوری از مشارکت توده‌ای، محور قرار دادن زنان تحصیل‌کرده و متخصص و در نهایت تاکید برای شناسایی مکانیزم‌های اثر گذار فرهنگی بر مشارکت سیاسی و قرار گرفتن جمهوری اسلامی به عنوان برهه زمانی مطرح عوامل دیگری برای متمایز خواندن این پژوهش است.

#### ۴-۱ اهمیت و ارزش پژوهش

زنان نیمی از جمعیت فعال کشور هستند و مشارکت آنها در سطح سیاسی نه تنها باعث ارتقا خواهد بود بلکه رفاه اجتماعی را هم افزایش خواهد داد، بی شک بدون حضور و مشارکت آنها نمی‌توان امیدی برای رسیدن به اهداف داشت. جامعه انقلابی ایران نیز با پشت سر گذاشتن جنگ تحمیلی مسیر رشد و توسعه را در پیش گرفته

و به همین دلیل تجهیز و بکارگیری نیرو و توان تمام افراد جامعه من جمله زنان امری اساسی است. از این رو شاید مهمترین پیش شرط رسیدن به توسعه پایدار را استفاده از استعداد های زنان دانست. با این وجود علی رغم تمامی اهمیتی که برای مشارکت سیاسی زنان ارائه شده است زنان نتوانسته اند حضور پررنگی را در عرصه های مدیریتی کشور داشته باشند. شناسایی موانع این حضور و ارائه راهکارهایی در این رابطه را می توان نخستین گام برای ارتقای حضور زنان در این حیطه دانست.

## ۵-۱ اهداف پژوهش

تبیین مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.  
تبیین موانع فرهنگی مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.  
تبیین راهکارهایی پیرامون مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

## ۶-۱ سوالات و فرضیات پژوهش

### سوالات

مشارکت زنان در ساختار مدیریتی جمهوری اسلامی ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟  
مکانیزم های اثر گذار فرهنگ سیاسی بر مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟  
راهکارهای افزایش مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

### فرضیه ها

بر مبنای مقیاس مشارکت سیاسی زنان در عرصه تصمیم گیری که شامل مواردی چون نسبت زنان حاضر در کابینه ها، نمایندگی دیپلمات ها، کرسی های مجلس، مجموعه مدیران کشور، مجموعه شاغلان کشور است مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی اندک به نظر می رسد.  
فرهنگ سیاسی با آنگاره هایی از قبیل ناتوان بودن، مدیر و مدبر نبودن، ضعیف بودن و تعریف سیاست به عنوان حوزه ای مردانه و دور از علایق زنان و انتقال این کلیشه های جنسیتی از حوزه فرهنگی به حوزه اجتماعی از طریق فرایند جامعه پذیری سیاسی اصلی ترین موانع مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی است.

برای گسترش مشارکت سیاسی زنان به ارائه راهکارهایی پرداخته خواهد شد که جلوگیری از باز تولید کلیشه های جنسیتی محور اصلی تمامی آنها است.

## ۷-۱ روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی \_تحلیلی صورت می گیرد.

## ۸-۱ کاربرد نتایج پژوهش

مشارکت سیاسی زنان به عنوان بخش اعظمی از جامعه، همواره دغدغه اساسی بسیاری از پژوهشگران و سیاستمداران بوده است. ارتباط بین مشارکت سیاسی این بخش از جمعیت و رسیدن به توسعه و ثبات جامعه منجر شده تا همواره فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی زنان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و راهکارهایی در جهت شناخت بهتر این فرصت‌ها و حل چالش‌ها صورت گیرد. این پژوهش با هدف شناخت بهترنسبت به توان و استعدادهای زنان در رشد و شکوفایی جامعه صورت می‌گیرد و امید دارد که بتواند گامی در درک بهتر مسایل و مشکلات زنان متخصص و آگاه جامعه ایرانی باشد.

## فصل دوم

### چارچوب نظری

#### ۲-۱ مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و براساس طبع اجتماعی خویش به اجتماع روی آورده است. زندگی اجتماعی نیز در طول تاریخ همواره بر پایه مساعدت و مشارکت استوار بوده است (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۶۰). انسان از همان ابتدا، برای تأمین نیازهای خود که البته در دوران اولیه، بسیط بود، به تعاون و همکاری نیاز داشت. بنابراین مشارکت از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته است. برخلاف مشارکت اجتماعی که بسیار زود در حیات بشر رخ داد، مشارکت سیاسی پدیده ای تازه تر است؛ زیرا مفاهیم حکومت و ساختار سیاسی در دوران اولیه وجود نداشت. حتی پس از پدید آمدن حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی، در دوره‌های متمادی از تاریخ بشر، مشارکت مردم در حکومت اصلاً مطرح نبوده است.

کشمکش در زمینه‌ی آزادی فرد و قدرت دولت نمایان‌ترین ویژگی تاریخ قدیم است. وضعیت یاد شده با وجود قبض و بسط‌ها، تا دوران جدید ادامه یافت. در این بین، بروز شورش‌های مردمی و انقلاب‌های اجتماعی برای از بین بردن سیطره‌ی حکومت‌های مطلقه و خودکامه و وادار کردن آن‌ها به پذیرفتن نقش مشارکتی توده‌ی مردم هم چنان ادامه داشت. انقلاب صنعتی، افزایش جمعیت، توسعه‌ی شهرنشینی، پیدایش طبقه‌ی متوسط و پیشرفت تکنولوژی، سبب شد به تدریج نهادهای مشارکت مردمی پدیدار شوند (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۰).

به این ترتیب مفهوم مشارکت سیاسی پدیده‌ای جدید که با شکل‌گیری دولت - ملت‌های مدرن و درپی معاهده و ستفالی وارد حوزه فرهنگ و جامعه‌شناسی سیاسی شده و به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعی کلیدی زندگی بشر و مؤلفه‌های مشروعیت و توسعه یافتگی هر نظام سیاسی تبدیل شده است. به طوری که امروزه کشورهای متعدد تلاش می‌کنند تا با افزایش مشارکت سیاسی آحاد مختلف مردم در جامعه زمینه‌ی افزایش مشروعیت و ارتقا توسعه یافتگی هر نظام را فراهم کنند. در این میان زنان نیز به عنوان بخش مهمی از